

از منچستر گاردین - مورخ دهم ژوئن ۱۹۵۴  
ترجمه ع. م. ع.

## اوضاع کشور سیام

تجربه نشان داده است که بزرگترین راه جلوگیری از نفوذ کمونیسم ثبات امور معاشی افراد و وجود دولتی دلسوز است که مردم حامی آن باشند. ممکن است در ظاهر چنین در نظر آید که چون سیام کشوری است مشروطه و شاه و پارلمان بر آن حکومت میکنند برای جلوگیری از انتشار مسلک کمونیسم در جنوب شرقی آسیا بهترین نقطه باشد. متأسفانه این نظر افراط در خوش بینی است. درین چندسال بعد از جنگ اگر چه اوضاع مساعد اقتصادی و نیروی انتظامی امور معاشی مردم و دولت را ثابت نگاه داشته و مردم نیز باین ترتیبات قانع بوده اند امروز اوضاع تغییر پذیرفته است. اکنون سیام گرفتار فشار اقتصادی است و کم کم عدم رضایت در دلها رخنه کرده و دولت در چشم ملت هیچ ارج و اعتبار ندارد و کمتر کسی میتواند ادعا کند که اگر کمونیسم باین کشور روی آورد یا جنگی پیش آید دولت فعلی همچنان پا بر جای خواهد ماند.

در سیام دموکراسی بدان معنی که ما در انگلیس از آن تعبیر میکنیم مطلقاً وجود ندارد. احزاب سیاسی بکلی ممنوع است. انتخابات خلاف قانون و در نهایت فساد صورت میگیرد. حد اکثر نیمی از وکلا برای مردم و نیمی دیگر بزور سر نیزه منصوب میگردند. بیشتر مردم دیگر در انتخابات اصلاً شرکت نمیکنند. کسانی که در عالم سیاست قُرب و منزلی شامخ داشته اند و در درستی و شرافت آنان شک و تردید نیست بکلی کنار رفته اند و معتقدند که با حکومت فعلی وجود مجلس یکسره بيمصرف و زائد است. بچندتن از اعضای مجلس که جنب و جوشی دارند و میخواهند اقلیتی مخالف درست کنند دستگاه انتظامی اعلام داده که بهیچوجه حق تأسیس جماعی که خط مشی سیاسی تعیین کند یا انجمنهایی که ادنی مشابهت بانجمنهای سیاسی داشته باشند ندارند. چون حکومت نماینده مردم نیست و اعضای آنرا گروهی سیاست باز

بکومک دوستان تشکیل داده‌اند مردم نسبت بآن هیچ اعتماد ندارند. گمان نمیرود در هیچ نقطه عالم فساد و رشوه‌خواری باندازه کشور سیام مرسوم باشد، مگر سابقاً در چین چیان کای شک. هر رئیس اداره‌ای هم در یکی از رشته‌های تجارت یا دادوستد ذی‌نفع است. نمایندگان مؤسسات بزرگ اروپائی مجبورند بیست درصد بر قیمت کالاهایی که بتجار و دولت می‌فروشند بیفزایند تا از عهده پرداخت حق حسابهای نامشروع بمتصدیان صدور جواز و سهمیه و غیره برآیند. در کارهای روزمره با هر تقاضا نامه باید دست کم دو لیره ضمیمه باشد و گرنه کارمندی کوچک کارهای بزرگ را بتعویق میاندازد.

اگرچه کسب و کار در کشور سیام اسماً آزاد است اما در حقیقت کارها همه در اختیار دولت و حامیان او که عده قلیلی از طبقه سوّمند میباشد. دسته خیلی کوچکتتر ممکن است گروه مخالف را تشکیل دهد اما با تمام قوی بزور سر نیزه و کار آگاه منکوب میشوند. هر کس علناً از دولت انتقاد کند با اتهام مسلك کمونیستی بزندان می‌افتد. تا يك سال و نیم پیش فقط عده‌ای معدود ازین شیوه ناپسند ناراضی بودند. دولت بکار مردم کار نداشت و مردم هم بدولت بی‌اعتناء بودند یعنی نه این ب فکر آن و نه آن ب فکر این بود. زارع تا زمانی که سهولت میتوانست برنج خود را بفروشد و حوائج مختصرش را رفع کند گله‌ای نداشت. امروز دیگر سیاهی قادر بفروش برنج نسبت مگر آنکه قیمت آنرا زیاده از خد پایین بیاورد و جنس را هم مرغوب‌تر کند. در واقع فروشنده تابع است و خریدار متبوع. چون صادرات از میان رفته زارع دیگر قادر نیست اندک مبلغی که بدست می‌آورد (سالی دوازده لیره) و راضی هم بود بدست بیاورد. برای پرداخت قیمت واردات ارز خارجی موجود نیست. پول کشور هم درین يك سال و نیم اخیر بنصف قیمت تنزل یافته و مخارج زندگی ۳۰ درصد افزوده شده و داد و ستد سخت در خطر افتاده است.

یکی از علل مهمی که سیاهی نمیتواند برنج خود را بفروشد این است که دست و پایش در بندهای مقررات صدور جواز، خرید و فروش جواز و بسا محدودیتهای دیگر بسته‌است. ظاهر حال این است که قانون اجراء می‌گردد، باطن امر اینک که جیب

متصدیان پر میشود. اکنون که بحران اقتصادی روی بشدت نهاده از جانب شمال شرقی خطر کمونیست پدید آمده و نا رضائی زارع هم مزید بر علت گشته است. برنامه‌های دقیق که از هرگونه اسراف و تبذیر جلوگیری کند و جنگی بیرحمانه بصدف فاسدان و رشوه‌خواران - از هر درجه و مقام - ممکن است بحران را بر طرف سازد. اما دولت فعلی بصورتی که ترکیب شده از اجرای چنین تصمیماتی عاجز است مخصوصاً که بقای خود را مرهون گروهی رشوه‌خور و رشوده و معدودی تاجر میداند.

غصه اینجا است که مردم همه از جریانات آگاهند اما نسبت بامور بکلی بی اعتناءند و معتقدند که چون خطر کمونیسم از خارج نزدیک است عاقبت امریکا بداد آنها خواهد رسید و بفرض اینکه چنین نشد از کجا زندگی تحت لوای کمونیست بدتر از حال حاضر باشد. هیچ شاهد و بینهای در دست نیست که شهری یا روستائی عملاً با کمونیسم بجنگ بپردازد.

فعلاً مردم شمال شرقی بیش از هر نقطه دیگر سیام از اوضاع ناراضی هستند. طبیعت هم هرگز با مردم این ناحیه بر سر لطف نبوده است. صورت کریه فقر و پریشانی درین قسمت سخت نمایان است. در فصل گرما که نهرها و چاه‌های آب همه خشک میشود مردم ناچارند پنج میل پیاده بروند و آب آشامیدنی بیارند. این ناحیه که از پایتخت دور و وسائل مرادده هم خراب است و هیچ مؤسسه عام المنفعه هم در آن وجود ندارد در عوض همسایه دیوار بدیوار هند و چین است و بی جهت نیست که سران ویت مینه شائقند که ایالت لائوس را تصرف کنند و آنرا مرکز تبلیغات ایالت شمال شرقی سیام قرار دهند و کم کم آنرا ضمیمه جمهوری آزاد تایلند کنند. سپس ازین ایالت شمال شرقی اهالی سایر ایالات سیام را بیرانداختن حکومت فعلی ترغیب نمایند. بدین طریق بی تخطی و تجاوز علنی خارجی مقصود حاصل میگردد و اگر هم جنگ و جدالی مختصر اتفاق افتد عنوان جنگ خانگی خواهد داشت.

ممکن است چنین تصور رود که دولت در راه بهبود اوضاع مردم این ایالت بجد دست بکراست. این تصور باطل است. در اینجا هم دولت جز اینکه برای بسیار ابلهانه و جاهلانه با کمونیست مبارزه کند و دائم مانند گذشته طرحهایی رنگین روی کاغذ

بریزد و هرگز جامعه عمل نپوشاند کاری نمیکند.

موقعی که حفر چاه و بنای مخازن آب و تأسیس مدارس و وجود طبیب از ضروریات است نیم میلیون دلار امریکا را خرج تأسیس يك مرکز تلویزیون در پایتخت نموده‌اند. این گشاد بازیها و ولخرجیها ابدأ روحیه مردم را تقویت نخواهد کرد و ناراضی‌ها را راضی نخواهد ساخت.

سیامی‌ها طبیعتاً و بحسب تربیت مردمی آرام و قلندر مآب و معتقد باصل هرچه پیش آید خوش آید هستند و از چنین مردمی بعید است در برابر نفوذ منظم و مرتب و بانقشه کمونیستها مقاومتی نشان دهند مگر آنکه چیزی داشته باشند و دل‌بستگی بآن چیز آنها را بدفاع برانگیزد. مردم سیام از مرامهای دور و دراز و اصول نامحسوس و مجرد سر در نمی‌آورند، حال خواه مرام و اصل دمکراسی باشد خواه کمونیسم. کسانی که در اندیشه تضمین نظامی یا سیاسی این کشور هستند این فصول را باید رعایت کنند:

- ۱ - اگر بخواهند تضمین نظامی اثر بخش باشد کومک اقتصادی فراوان باید بدنال داشته باشد تا بتواند از سقوط مالی و سیاسی جلوگیری کند.
- ۲ - اگر در سرزمین سیام جنگی در گرفت بیشتر سپاهیان باید غیر بومی باشند.
- ۳ - سیامی‌ها هیچ میل ندارند باینکه کشورشان میدان جنگ شود و شهرهایشان بتلهای خاک و خاکستر تبدیل گردد.

علاوه بر اینها دولت‌ها یا مخالفان همینکه احساس کنند غلبه با دشمن است یا در نتیجه کشمکش خرابی کشور و مصیبت مردم بنهایت رسیده، پنهان با دشمن میسازند. فراموش نشود که از قدیم سیاست سیام برین اصل مبتنی بوده که دول معظمه را بجان یکدیگر بیندازد و خود از میانه سالم بدر برود. سر بقای استقلال آنهم شاید همین باشد. بسیاری از مردم کشور برین عقیده‌اند که امروز هم باید همین سیاست را دنبال کرد.